

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آیا پرسشنامه اختلال خلقی و مقیاس تشخیصی طیف دوقطبی ابزارهای مناسبی برای غربالگری اختلالات دوقطبی در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس هستند؟

سارا سبحانی؛ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، انستیتو روان پزشکی تهران و مرکز تحقیقات سلامت روان sara.sobhani20@gmail.com

امیر شعبانی؛ استاد روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، مرکز تحقیقات سلامت روان الهام گوران اوریمی؛ دکترای تخصصی روان پزشکی، انستیتو روان پزشکی تهران و مرکز تحقیقات سلامت روان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران،

سپیده سلطان محمدلو؛ دانشجوی دکترای تخصصی روانشناسی بالینی، انستیتو روان پزشکی تهران و مرکز تحقیقات سلامت روان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران،

فاطمه جهان جو؛ کارشناس ارشد آمار زیستی، مرکز تحقیقات طب فیزیکی و توان بخشی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز،

علی یزدانی؛ دکترای تخصصی روان پزشکی، دپارتمان روان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان،

مقدمه: بیماری مالتیپل اسکلروزیس از شایع ترین اختلالات نورولوژیک می باشد. مطالعات انجام شده، اختلالات خلقی را از شایع ترین اختلالات روان پزشکی در این بیماران گزارش کرده اند. با توجه به بار و اثر اقتصادی قابل توجه اختلالات خلقی؛ مشکلاتی در تشخیص گذاری صحیح این اختلالات به خصوص در طیف دوقطبی؛ و نیز پیامد بد عدم تشخیص یا تشخیص اشتباه آن ها به عنوان اختلال افسردگی یک قطبی و در نتیجه درمان اشتباه با داروهای ضد افسردگی، ضرورت استفاده از ابزارهای غربالگری در این بیماران مطرح می شود. هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی های روان سنجی دو ابزار غربالگری پرسشنامه اختلال خلقی و مقیاس تشخیصی طیف دوقطبی برای غربال اختلالات دوقطبی در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس می باشد.

روش: نمونه، شامل ۱۰۰ بیمار مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس در محدوده سنی ۵۴-۱۷ سال می باشد که به روش نمونه گیری در دسترس از مراکز درمانی دولتی شهر تهران انتخاب شدند. پس از امضای رضایت نامه و تکمیل فرم متغیرهای دموگرافیک، پرسشنامه اختلال خلقی و مقیاس تشخیصی طیف دوقطبی توسط روانشناس بالینی بر روی بیماران اجرا شدند و پس از آن دستیار روان پزشکی آموزش دیده که از نتایج پرسشنامه های مذکور بی اطلاع بود، به منظور تشخیص گذاری، مصاحبه بالینی ساختار یافته برای اختلالات محور I را بر روی بیماران اجرا نمود.

یافته ها: تعداد بیماران زن (۷۳٪) تقریباً سه برابر بیماران مرد (۲۷٪) بود. میزان حساسیت، ویژگی، ارزش پیش بینی کنندگی مثبت و منفی پرسشنامه اختلال خلقی به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۶۴، ۰/۶۲/۵، ۰/۶۱/۵، و مقیاس تشخیصی طیف دوقطبی به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۷۶، ۰/۶۸/۴، ۰/۶۱/۳ بود.

بحث: با توجه به مطالعه حاضر، به نظر می رسد این دو مقیاس، ابزارهای مناسبی برای غربالگری اختلالات دوقطبی در این بیماران نباشد. باین حال، هدف استفاده از ابزار حائز اهمیت است بدین گونه که در مطالعات همه گیرشناسی می توان با توجه به هدف قرار گرفتن حساسیت یا ویژگی، از نقاط برش متفاوتی استفاده کرد؛ و در کار بالینی، از آنجاکه ارزش پیش بینی کنندگی از اهمیت بالایی برخوردار است، بر اساس آن که ارزش پیش بینی کنندگی مثبت یا منفی مدنظر باشد، می توان از نقاط برش متفاوتی سود برد.

کلیدواژه ها: مالتیپل اسکلروزیس، اختلال دوقطبی، پرسشنامه اختلال خلقی، مقیاس تشخیصی طیف دوقطبی، غربالگری

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله